

قدرت «تکیه» هجایی در تمایز معنایی انواع مختلف «ما» در قرآن کریم

سیدحیدر فرع شیرازی^{۱*}، علی‌رضا محمدرضایی^۲

۱- دانشیار گروه عربی، دانشگاه خلیج فارس، بوشهر، ایران

۲- استاد گروه زبان و ادب عربی دانشکدگان فارابی، دانشگاه تهران، تهران، ایران

دریافت: ۱۴۰۳/۰۸/۰۶

پذیرش: ۱۴۰۴/۰۱/۲۱

چکیده

تکیه، یکی از مؤلفه‌های زبرزنجیری زبان گفتار است که در تمایز معنایی انواع مختلف (ما) به عنوان جزئی از ساختار جمله، می‌تواند اثرگذار باشد به گونه‌ای که از نظر شنیداری به مخاطب کمک می‌کند تا در فهم درست معانی بهتر عمل کند. ضمن این که رعایت «تکیه» باعث روانی گفتار و فصاحت در ادا می‌شود. موضوع اصلی این پژوهش قدرت تکیه در سطح هجایی درون واژگانی صرف نظر از این که در چه مرتبه‌ای از قوت و ضعف قرار دارد، است که ترکیب‌های هجایی انواع مختلف (ما) در قرآن کریم را مستقل از عناصر دیگر آوایی، به نمایش می‌گذارد. واژه «ما» به عنوان اسم یا حرف، اغلب دارای هجایی کشیده، یک‌نواخت و تکیه بر آن، ارزش واجی دارد. تحلیل آوایی (ما) به تنهایی امکان‌پذیر نبوده بلکه با توجه به هجاهای پیرامونی، شدت و ضعف پیدا می‌کند که اساساً جانمایی آن بر اساس اقراء قاریان قرآن و قواعد خاصی صورت می‌گیرد. اهمیت تحلیل تکیه زبانی (ما) زمانی روشن می‌شود که تمایز معنایی آن در گونه‌های مختلفی همچون (عمّا)ی موصوله و زائده، و (کما) مصدریه یا موصوله، (این+ما) شرطیه یا استفهامیه، (إِما) شرطیه یا تفصیلیه، (إنّما و آئما)ی موصوله یا کافه و ترکیبات اسمی یا فعلی (ما) و امثال آن، خود را نشان دهد. پژوهش حاضر با تکیه بر تکیه زبانی و نه رسم الخطی و در سطح تکیه هجایی و نه کلامی، و در بستر آیات قرآن کریم با شیوه توصیفی - تحلیلی و تطبیقی انجام شده است.

واژگان کلیدی: تکیه، هجا، انواع (ما)، مصحف، قرآن کریم

۱- مقدمه

۱-۱- بیان مسئله

تکیه، به عنوان یکی از زیر شاخه‌های آواشناسی در زبان‌شناسی عربی و به عنوان یک عامل مؤثر در تمایز معنایی و توازن آوایی، اهمیت ویژه‌ای در سبک‌های صوتی قرآن کریم دارد؛ که البته از قدیم ریشه در قرائت و اقراء قاریان داشته است. علیرغم این‌که پژوهش‌های مختلفی در ساختار نحوی و نوشتاری انواع مختلف (ما) به رشته تحریر در آمده است، ولی هنوز پرسش‌هایی در وجه ممیزی یا عدم ممیزی تکیه در تعیین معانی (ما) با تنوع و گستردگی آن در زبان قرآن وجود دارد و آنچه بر اهمیت این پژوهش می‌افزاید، این است که اینگونه موضوعات از دریچه آوایی به کنکاش گذاشته شود که علاوه بر کارکرد نوشتاری (رسم الخطی)، کارکرد گفتاری و شنیداری هم مورد مذاقه قرار گیرد تا شنونده و مخاطب نیز از آن بهره گیرد. بستر تحلیل آوایی (ما) در حوزه زبرزنجیری تحت عنوان مؤلفه‌هایی چون تکیه هجایی (در سطح هجاهای یک واژه) و تکیه واژگانی (در سطح واژگان یک جمله) و درنگ‌های واژه‌ای/ میان واژه‌ای و درنگ جمله‌ای، همچنین مؤلفه کشش (طول) و آهنگ، قابل نقد و بررسی است.

اما رویکرد این پژوهش صرفاً در محدوده تکیه هجایی و مبتنی بر واکاوی و خوانش جدیدی از تمایزهای معنایی و ساختاری تکیه در انواع مختلف (ما) بر اساس قواعد آموزشی تکیه در نظریه جدید ولید مقبل است. البته تحلیل و تطبیق شواهد قرآنی به گونه‌ای شکل گرفته است که مخاطب بتواند بدون نیاز به آموزش قواعد تکیه، بر یافته‌های این تحقیق تأمل داشته باشد.

این نظریه به شکل رسمی و قاعده‌مند اولین بار در کتابی تحت عنوان «النبر فی القرآن الکریم نظریة جدیدة فی استقامة الأداء القرآنی» به تاریخ ۲۰۱۳ میلادی چاپ شده است. ولید مقبل، قواعد جانمایی تکیه را با بررسی تأثیرات صرفی و نحوی و معناشناسی در حوزه ادای قرآن کریم استخراج کرده است. همچنین با مقایسه بین ادای درست قرآن با اجرای تکیه در محل اصلی خود و ادای نادرست قرآن یعنی اجرای تکیه در غیر محل

اصلی خود، تأثیر سطوح مختلف صرفی و نحوی و معناشناسی را در هریک از این دو نوع ادا نشان داده است. وی با حفظ قرآن و با اجازاتی که در قرائت داشته و با استناد به اقراء قاریان و مشایخ بزرگ قرآنی بدون این که لهجه‌ای خاص را مبنا قرار دهد به اجرای صحیح قواعد تکیه در قرآن کریم پرداخته است. او برای تعیین این قواعد، کلمات را به اوزان تفعیلی مشخصی تقسیم کرده تا هجاهای تکیه‌بر را از هجاهای بی تکیه نشان دهد، قواعدی که در کتابی مستقل نیاز به آموزش دارد، لذا پرداختن به همه آن از ظرفیت این بحث خارج است. آنچه در این قواعد به «تکیه» اختصاص دارد، مطلق حرکت است و موارد دیگری از قبیل مخرج حرف، صفات حرف، نوع حرف و نوع حرکت، در این قواعد تأثیری ندارد.

ولید مقبل، برای تکیه‌های قرآنی، هیچگونه رتبه‌بندی و تقسیم برجستگی تعریف نکرده؛ بنابراین، برخلاف آنچه که دیگران برای تکیه، نظام رتبه‌بندی قائل‌اند و هجاها را به قوی، اولیه، ثانویه، تکیه‌بر و ضعیف تقسیم کرده‌اند، وی در نظام دستوری جدید خود در جانمایی تکیه‌های قرآنی، سخنی از این موضوع به میان نیاورده است.

با این حال در این پژوهش علاوه بر کتاب «النبر فی القرآن الکریم.....»، جهت تدقیق و تفصیل بیشتر در حوزه تحلیل آوایی «تکیه» از یک دوره آموزشی ضبط شده در سیزده جلسه سخنرانی ایشان در یوتیوب نیز به طور کامل استفاده و تمرین شده است. همچنین از کتاب ۷۱ صفحه‌ای دیگر ولید مقبل سید علی دیب تحت عنوان «المقطوع والموصول بین رسم المصحف والأداء اللغوی مصحف المدینة أنموذجا» که بخش عمده‌ای از آن به رسم الخط قرآنی واژگان متصل یا منفصل به و یا از (ما) اختصاص یافته و تکیه در آن، جانمایی شده، برای تطبیق بیشتر و بهتر مورد استفاده قرار گرفته است. علاوه بر این در جانمایی تکیه بر انواع مختلف (ما) گاهی برای حصول اطمینان به مصحف نشان‌دار تکیه و بر اساس قرائت خود استاد ولید مقبل مراجعه شده که سوره‌های مختلف آن در یوتیوب به صورت برخط قابل مشاهده است.

۱-۲- پیشینه پژوهش

در ارتباط با شناخت آوایی «ما» به عنوان یکی از زیر شاخه‌های آواشناسی در زبان‌شناسی زبان عربی و به خصوص در قرآن کریم منابع علمی انگشت شماری وجود دارد. بخش عمده‌ای از این منابع که قدیمی هستند، به انواع «ما» در قرآن کریم از نظر ساختار نحوی یا صرفی پرداخته که برخی، تصحیح و چاپ شده و برخی هنوز به صورت نسخه خطی باقی مانده‌اند.

نسخه خطی «الکشف والبيان عن مءات القرآن» از ابوالعلاء همدانی (م ۵۶۹) در ۹۲ ورقه، در کتابخانه مانسا در ترکیه به شماره (MHK7167) و تصویری از این نسخه خطی در دار الکتب المصرية با شماره ۵۸۵ به سال ۶۶۳ نگهداری می‌شود. نسخه خطی «کتاب المءات القرآنية ابوالحسن واسطی مقرر»، از علمای قرن هشتم، یک نسخه خطی در کتابخانه (زینل زاده الوطنیة) شهر (آقحصار) ترکیه، به شماره (۳۹۶/۱) در ۴۳ ورقه، نوشته شده به سال (۷۰۹ ق) است.

کتاب «نجوم البیان فی الوقوف وماءات القرآن» از سمرقندی در سال ۲۰۰۶ میلادی، توسط محمدبن مصطفی بکری السید و با راهنمایی استاد محمدبن عبدالرحمان بن صالح شایع تحت عنوان رساله دکتری در دانشگاه اسلامی امام محمدبن سعود در ریاض در ۱۲۷۲ صفحه، تحقیق و به اتمام رسیده و نویسنده در آن به موضوعاتی چون آهنگ (تنغیم) پرداخته است. کتاب «الابانة فی تفصیل مءات القرآن الکریم وتخریجها علی الوجوه التی ذکرها ارباب الصناعة» از ابوالحسن اصفهانی باقولی (م ۵۴۲)؛ کتاب «غایات البیان فی معرفة مءات القرآن» از ابراهیم بن عمر جعبری خلیلی (م ۷۳۲)؛ کتاب «حدیث (ما) أقسامها وأحكامها» از محمدبن عبدالرحمان مفدی؛ کتاب «(ما) فی القرآن الکریم دراسة نحویة» از عبدالجبار فتحی زیدان ذنون صوفی علی حمدانی.

اما از نظر آوایی در این خصوص چند مقاله در دسترس است:

ابراهیم بن سعید دوسری در مقاله «اصول (ما) فی القرآن الکریم مع دراسة تطبیقیة علی سورة یس» (علوم/انسانی ملک فیصل، ۲۰۰۳م، جلد ۴، شماره اول). نویسنده در این مقاله،

و جوه اختلافی تفسیر درباره برخی از انواع مختلف (ما) و وجه تمایز معنایی آن‌ها را در شواهدی از آیات سوره یس از منظر وقف و ابتدا بیان می‌کند.

حسن ارباب در مقاله «النبر فی القرآن الکریم» (دراسات دعویة، ۲۰۰۹، شماره ۱۷). این مقاله ضمن مباحثی کوتاه درباره اهمیت و اثر مفهوم‌شناسی تکیه، محور اصلی بحث را درباره اثر مفهومی تکیه به عنوان یک عامل صوتی بر روی انواع «ما» در قرآن کریم قرار داده است. حوزه کارکرد تطبیقی حسن ارباب - بدون این‌که تمایزی بین آن دو قائل شود و یا مؤلفه‌های دیگر را در نظر بگیرد - بیشتر تکیه واژگانی است.

مصطفی مسیردی در مقاله ۹ صفحه‌ای «ماءات القرآن الکریم أداؤها ودلالاتها» (مجله التعليمية، الجزائر، ۲۰۱۷، ج ۴، شماره ۱۱، صص ۱۵۸-۱۶۶)، به چند نمونه مختصر از تمایز معنایی (ما) و نه همه انواع آن، از نظر آهنگ جمله، پرداخته است.

بدر عبدالعزیز ماجر مرشدی در مقاله «اثر التنغیم فی توجیه معنی «ما»» (مجله الآداب ملک سعود، ۲۰۱۹، شماره ۳۱، صص ۲۴-۳)، ضمن اشاره به نظرات سیبویه، فراء، ابن جنی، ابن هشام در این حوزه، تأثیر تنغیم (آهنگ) را در مثال‌هایی چون تفاوت (ما)ی استفهام و نفی و تعجب و تفاوت بین (ما)ی نفی و موصوله از دیدگاه تکیه واژگانی (آهنگ جمله) - و نه سطح تکیه هجایی - بیان کرده است.

در مقاله مجید صالحی با عنوان «تکیه و کارکرد آن در گزینش عناصر واژگانی در ترجمه قرآن کریم» (ترجمان الوحی، ۱۳۷۶، شماره ۱، صص ۵۱-۵۹)، مطلبی که نسبت به پژوهش حاضر، قابل استفاده باشد، وجود نداشته است.

در مقاله سیدحیدر فرع شیرازی با عنوان «قدرت «تکیه» هجایی در تغییر معانی واژگانی قرآن کریم» (آموزه‌های قرآنی دانشگاه علوم اسلامی رضوی، ۱۴۰۱، شماره ۳۵، صص ۱-۲۴)، تکیه و اثرگذاری آن به طور عام مورد واکاوی قرار گرفت و به تکیه «ما» و تأثیر دلالی - واجی آن پرداخته نشده است.

۱-۳- سوالات پژوهش

هدف اصلی این پژوهش دریافت یافته‌هایی از دگرگونی و تحول معنایی انواع مختلف (ما) بر اساس تکیه هجایی است. لذا این پژوهش درصدد پاسخگویی به دو پرسش اصلی است:

۱. نظر به این که واژه (ما) تک هجایی بوده است، تکیه چگونه می‌تواند وجه تمایزدهنده معانی مختلف (ما) باشد؟

۲. وجه ممیزی تکیه در انواع مختلف (ما) در ساختارهای مختلف نحوی چیست؟

افق این پژوهش نشان می‌دهد که واژه (ما) علیرغم این که واژه‌ای تک هجایی است، اما غالباً در انواع مختلف ساختار ترکیبی به کار می‌رود که با توجه به رسم الخط متفاوت نوشتاری در قرآن کریم، تحلیل آوایی (ما) به خصوص در سطح تکیه هجایی، تأثیر مهمی در تشخیص نوع (ما) از نظر مبنایی و معنایی دارد؛ مانند «اینما/این ما» و «إنما/إن ما». علاوه بر این، نوع تکیه از نظر شدت و ضعف، تأثیر به سزایی در تمایز معنایی انواع (ما) در ترکیبات مختلف دارد که توضیحات تفصیلی آن در ادامه خواهد آمد.

۲- تعریف تکیه و ارزش واجی (ما)

تکیه، که اصطلاحاً در زبان عربی «النَّبر»، (stress) نامیده می‌شود به فشار صوتی و برجستگی صدای یکی از هجاهای واژه اطلاق می‌شود که نسبت به هجاهای پیرامونی از نظر شنیداری برتری دارد (فرح شیرازی، ۱۴۰۱: ۶۵). برای واژه «نبر»، معانی مختلفی از جمله «بلندی و برجستگی صدا و گریه، فریاد ناشی از ترس، ورم زخم یا باد کردن جسم و امثال آن به کار رفته است» (ابن منظور، ۱۴۱۴، ج ۵: ۱۸۹). همچنانکه گاهی «همزه در لغت مرادف «نبر» قرار گرفته است» (فراهیدی، ۱۴۰۹، ج ۸: ۲۱۹)؛ ولی در علم تجوید به سبب تندی و تیزی همزه، اصطلاح «نبر» به عنوان یکی از صفات غیر متضاد حرف همزه، به حساب می‌آید و قواعد تحقیق و تسهیل و حذف برای آن وضع شده است. بنابراین، «نبر» معنای عام‌تری نسبت به همزه از جهت برجستگی و نمایانی صدا دارد که در اصطلاح زبان شناسی از آن استفاده می‌شود.

ابراهیم انیس، در گذر از تعریف تکیه به تغییرات فیزیولوژیکی دستگاه گفتاری اشاره کرده که به هنگام فشار صوتی (= تکیه)، عناصر دستگاه گفتاری و عضلات تنفسی، هم زمان به طور مؤثری فعال می‌شوند. هنگام تکیه، تنش تارهای صوتی افزایش می‌یابد که منجر به ارتعاش‌های قوی‌تر می‌شود. این فرایند باعث تولید صدای بلندتر و واضح‌تر می‌گردد (۱۹۷۵: ۱۶۹).

تکیه، باعث تغییر در نحوه تولید صدا و شکل حفره‌های صوتی می‌شود؛ به خصوص این‌که «میم» یک صامت لبی انسدادی است که برای تولید آن، هوا به طور موقت در دهان و در موضع لب‌ها محبوس و جریان هوا به خیشوم هدایت می‌شود که اصطلاحاً در علم تجوید از آن تعبیر به صفت «غنه» می‌کنند.

واژه «ما»، تک هجا و با هجایی کشیده است و ساختاری مشخص و یکنواخت دارد. این هجا در زبان عربی از نوع دوم تقطیع هجایی یعنی هجای بلند باز (مقطع طویل مفتوح) یک حرف و دو حرکت (= ص ح ح) [۱] تشکیل شده است. مصوت «ا» در «ما» کشیده است و به اندازه یک مد طبیعی کشش دارد، لذا «اگر در تولید صدای (ما)، علاوه بر تکیه بلند (اصلی)، کششی بیشتر از حد معمول در تکیه ایجاد شود و کاهش سرعتی داشته باشد، در تمایز معنایی (ما)ی تعجب از دیگر انواع (ما) تاثیر دارد.» (مجر مرشدی، ۲۰۱۹: ۱۸) و یا اگر فرکانس صدا و ارتعاشات صوتی در (ما) کم یا زیاد شود به همان نسبت در تغییر معنا مؤثر است و این همان چیزی است که از آن به ارزش واجی تکیه در (ما) تعبیر می‌شود؛ مانند آنچه که پیشینیان درباره سلسله مراتب صوتی (تکیه) در وجه ممیزی (ما)ی نافیه از موصوله و استفهامیه و تعجیه و غیره بیان کرده‌اند. بر این اساس «بالاترین فرکانس صدا در تکیه را به (ما)ی نفی و (ما)ی جحد داده‌اند. سپس در مرتبه‌ای پایین‌تر به (ما)ی تعجب و کمی پایین‌تر از آن به (ما)ی استفهام، آن‌گاه نوبت به انواع دیگر (ما) می‌رسد که عموماً بی‌تکیه یا تکیه ضعیف‌تری در سیاق کلام دارند.» (دوسری، ۲۰۰۳: ۹۱).

البته همیشه نوع اجرای تکیه در انواع مختلف (ما) ارزش واجی ندارد؛ بلکه گاهی ارزش کمالی و زیبایی در نظام صوتی گفتار دارد که به تعبیر ولید مقبل دیب در نظریه میزان النبر،

فصاحت در ادا (حیّان گفتاری) گفته می‌شود و به استناد آیه شریفه ﴿فَإِذَا قَرَأْتَ الْقُرْآنَ فَاسْتَمِعْ لَهُ﴾ [۲] (قیامت ۱۸) به قداست ادای درست در گفتار طبق قرائت فرشته وحی تاکید دارد (۲۰۱۳: ۱۵ و ۱۶).

۳- نسبیت تکیه در واژه (ما)

مقصود از نسبیت تکیه، این است که هجاها در هر واژه، سهمی از تکیه دارند، هرچند اگر چه ارزش واجی نداشته باشند (جنادیه، ۲۰۱۶: ۳۲). به عبارتی دیگر، «یک حرف ممکن است نسبت به حرف قبلی آن بدون تکیه باشد و در همان وقت نسبت به حرف بعد از خود تکیه‌دار باشد و این موضوع این دیدگاه را تقویت می‌کند که تکیه یعنی مقدار قدرت یک هجا، نسبت به هجایی دیگر» (ولید مقل، ۲۰۱۳: ۶۵).

اصولاً هر واژه چند هجایی، یک ثقل مرکزی صوتی تحت عنوان (نبر رئیسی) یعنی تکیه اصلی با برجستگی صدا و فشار صوتی بیشتر، از نظر شنیداری خود را بلندتر از هجاهای دیگر نشان می‌دهد و بقیه هجاها با توجه به کارکرد و نقشی که ایفا می‌کنند رتبه‌های پایین‌تری دارند (فرع شیرازی، ۱۴۰۱: ۶).

محل تکیه می‌تواند در هجای آغازین یا میانی (= هجاهای بین واژه) یا پایانی باشد و همچنین ممکن است علاوه بر تکیه اصلی، تکیه ثانوی، متوسط و ضعیف داشته باشد. همانگونه که در قرآن کریم گاهی یک واژه ممکن است تا هفت هجا را در برگیرد، در حالیکه «در زبان عربی بالاترین تعداد هجاهای یک واژه با ملحقات، به (۹) هجا می‌رسد» (ن.ک هاشم: سلمان حسن، ۱۹۸۳: ۱۳۴)، ولی به هر حال «هر چه تعداد هجاها بیشتر باشد تعدد تکیه‌های اصلی و فرعی نیز بیشتر خواهد بود» (ن.ک: سلمان حسن، ۱۹۸۳: ۱۳۴). مانند ﴿فَلَنَأْتِيَنَّكَ﴾ (طه/۵۸) که این واژه هفت هجایی در سه هجای «نَأَ»، «يَنَ»، «نَ» برای تکیه، جانمایی شده است و مانند ﴿وَلَأَصْلَبَنَّهُمْ﴾ (طه/۷۱) که در این واژه هفت هجایی که با حرف «واو» هشت هجا می‌شود، طبق قرائت ولید مقل در قرائت، چهار هجا تکیه‌بر خواهد بود که عبارتند از: «وَا»، «صَلَّ»، «بَنَ»، «نَ». (ن.ک: سوره طه من المصحف المحدد فیه

مواضع النبر، نسخه برخط: یوتیوب) و به همین شکل ﴿أَنْزَلْنَاهُ﴾ (هود/۲۸) که تکیه‌های اصلی بر سه هجای «نُ»، «زِ»، «مُو» قرار می‌گیرد.

بالعکس گاهی یک واژه تک هجایی مثل (ما)، مورد سؤال واقع می‌شود که چگونه به تنهایی تکیه‌پذیر یا بی‌تکیه می‌شود و به عبارتی دیگر چگونه از نظر تکیه، شدت و ضعف و نسبیت پیدا می‌کند؟ آنچه باید گفت، این است که (ما) به عنوان «یک واژه تک هجایی مستقلاً و منفرداً [بدون در نظر گرفتن سیاق جمله و یا هجاهای پیرامونی]، تنها یک تکیه اصلی خواهد داشت» (ن.ک: سلمان حسن، ۱۹۸۳: ۱۳۴). اما از نظر نسبیت و نوسان تکیه باید گفت که مثل حرف (واو) که تک هجایی است، نمی‌تواند مستقلاً در تکیه نسبیت داشته باشد؛ چون در واقع، نسبیت تکیه استقلالاً به واژه تک هجایی تعلق نمی‌گیرد؛ مگر با در نظر گرفتن هجاهای متصل یا منفصل پیرامونی که توضیحات آن جلوتر خواهد آمد.

۴- مباحث تطبیقی

تکیه موردنظر این پژوهش، همان‌طور که گفته شد در سطح هجایی بدون در نظر گرفتن درنگ و آهنگ و بر اساس نظریه میزان النبر می‌باشد.

مبنای این تحقیق:

اولاً بر اساس مصحف نشانه‌دار تکیه از ولید مقبل است؛

ثانیاً شواهد تطبیقی بر اساس تکیه زبانی می‌باشد و نه تکیه رسم الخطی، چون تکیه بر اساس رسم الخط مصاحف، کمی متفاوت از تکیه زبانی خواهد بود. نکته دیگر این‌که نظر به حجم و گستردگی مطالب و ظرفیت محدود این مقاله در ادامه فقط بخشی از شواهد تطبیقی تکیه، با توجه به اهمیت و نقش و کارکرد آن بیان خواهد شد.

۴-۱- وجه ممیزی تکیه بین (عن + ما) ی زائده و (عن + ما) ی موصوله

در همه موارد استعمال «عَمَّا» (۴۶ مورد) در قرآن کریم - به جز یک مورد - «ما» در آن موصوله است (عن «حرف جر» + «ما» موصوله). لذا طبق قاعده، تکیه بر خواهد بود و همراه با آن، هجای آغازین «عن» نیز تکیه خواهد داشت. مانند: ﴿عَمَّا يَصِفُونَ﴾ (زخرف/۸۲).

«از نظر رسم الخطی فقط یک مورد «عن + ما ی (موصوله)» بالاتفاق در تمام مصاحف منفصل نوشته شده است؛ مانند ﴿فَلَمَّا عَتَوْا عَنْ مَا نُهُوا عَنْهُ﴾ (اعراف/۱۶۶) که «ما» در این نمونه مثل انواع متصل آن، تکیه خواهد داشت» (ولید مقبل، ۲۰۱۴: ۲۱). بقیه موارد استعمال شده «عَمَّا» (موصوله یا زائده) از نظر رسم الخطی متصل نوشته شده است. اما در آیه شریفه: ﴿قَالَ عَمَّا قَلِيلٍ لَيُصْبِحُنَّ نَادِمِينَ﴾ [۳] (مؤمنون/۴۰) از آنجایی که «ما» زائده است و بدون تکیه، لذا اجرای تکیه فقط بر هجای آغازین «عَن» خواهد بود تا تمایز دهنده بین موصول و زائد باشد. (بحث درباره حرف «عن + (ما) ی استفهام» در ادامه مقاله خواهد آمد).

۴-۲- وجه ممیزی تکیه بین (کَمَا) مصدریه و (کَمَا) موصوله

واژه ترکیبی (کَمَا)، ۵۹ مرتبه در قرآن کریم به کار رفته است که از نظر اعرابی، «کاف» اغلب مثلیه [۴] و (ما) مصدریه است. در نظریه ولید مقبل، ظاهراً همه کاربردهای (کَمَا) از نوع مصدریه در نظر گرفته شده است؛ لذا در ۵۹ موردی که (کَمَا) ذکر شده، «اجرای صحیح تکیه بر کاف است» (نسخه برخط: ولید مقبل، ۲۰۱۹، الدورة الخامسة، المحاضرة الاولى) و این که در برخی تفاسیر درباره بعضی از موارد اختلاف نظر وجود داشته یا برای (کَمَا) احتمال دو وجه (ما) مصدریه یا موصوله در نظر گرفته شده، حمل بر همان نوع مصدریه شده است و محل تکیه همان (ک) خواهد بود.

از نمونه آیاتی که از نظر اعراب نحوی و نوع (ما) در «کَمَا» محل اختلاف نظر است، آیه شریفه ﴿قَالُوا يَا مُوسَى اجْعَلْ لَنَا إِلَهًا كَمَا لَهُمْ آلِهَةٌ﴾ (اعراف/۱۳۸) است. در این آیه «کاف» حرف جر و (ما) اسم موصول به معنای «الذی» و «لهم» جار و مجرور متعلق به محذوف،

صله و ﴿الْهَ﴾ بدل از ضمیر بارز در ﴿لَهُمْ﴾ و تقدیر جمله: «کالذی استقر هو لهم آلِهَة» (درویش، ۱۴۱۵، ج ۳: ۴۴۵). البته زمخشری در الکشاف، آن را به (ما)ی کافه تفسیر کرده (۱۴۰۷، ج ۲: ۱۵۰)، در تفسیر ابن عاشور بر جایز بودن (ما) مصدریه تصریح شده است و می‌گوید: «هرچند غالب آن است که (ما) مصدریه فقط بر فعل داخل می‌شود، ولی در اینجا جایز است (ما) مصدریه غیر زمانیه باشد و جمله بعد از آن به تأویل مصدر برده شود که جمله مقدره «کوجود آلِهَة لهم» می‌شود» (۱۴۲۰، ج ۸: ۲۶۵)؛ و مانند ﴿كَمَا فُعِلَ بِأَشْيَاعِهِمْ مِنْ قَبْلُ﴾ (سبأ/ ۵۴) (ما) موصوله یا مصدریه و تقدیر جمله با (ما)ی موصوله: «بین الذی یشتهونه»، و تقدیر جمله با (ما)ی مصدریه: «بین مشتهاهم» (درویش، ۱۴۱۵، ج ۸: ۱۱۶). به هرحال نظر ولید مقبل به اعتبار مصدریه بودن همه موارد (ما) بعد از کاف تشبیه و قاعده سازی برای تکیه، دور از واقع نیست؛ چرا که در هیچ کدام از ترکیب‌های «کما» در قرآن، ضمیر عائده صله در جمله پس از ما ذکر نشده؛ در نتیجه، هیچ کدام از موارد را نمی‌توان با قطعیت (ما)ی موصوله دانست و این خود مؤید نظر مقبل، مبنی بر مصدریه در نظر گرفتن (ما) است.

۴-۳- وجه ممیزی تکیه بین (ما)ی استفهامیه با مصوت کشیده الف و بدون الف

یکی از تفاوت‌ها درباره (ما)ی استفهامیه، در مواردی مانند «فِیمَ و فِیمَا» و «مِمْ و مِمَّا» و «عَمَّ و عَمَّا»، این است که (ما)ی بدون مصوت کشیده الف، مختص استفهام است ولی اگر (ما) با الف باشد می‌تواند استفهام یا موصول باشد [۵]. بنابراین، اگر (ما)ی استفهامیه، مجرور به حرف جر و بدون مصوت کشیده الف باشد، بدون تکیه خواهد بود «تا تصور نشود که (ما) با الف است و از حالت استفهام خارج شود» (ولید مقبل، ۲۰۱۴: ۴۲). مانند «عَمَّ» که در این صورت، تکیه به هجای اول منتقل می‌شود. اما اگر (ما) با الف باشد و متصل (پیوسته) یا منفصل از «فی» یا «من» یا «عن» باشد، (ما) مستقلاً هجایی تکیه‌بر خواهد بود. حدود هفت مورد (ما)ی استفهامیه بدون الف در این آیات احصاء شده است: ﴿فِیمَ کُنْتُمْ﴾ (نساء/ ۹۷)؛ ﴿فِیمَ أَنْتَ مِنْ ذُرَّاهَا﴾ (نازعات/ ۴۳)؛ ﴿مِمَّ خُلِقَ﴾ (طارق/ ۵)؛ ﴿عَمَّ

يَسَاءَلُونَ ﴿نَبَأُ/١﴾؛ ﴿لَمْ تَقُولُونَ مَا لَا تَفْعَلُونَ﴾ (صف/٢)؛ ﴿لَمْ تُؤَدُّوْنَ﴾ (صف/٥)؛ ﴿فِيمَ تُبْشِرُونَ﴾ (حجر/٥٤).

۴-۴- وجه ممیزی تکیه بین (کَلَّما)ی موصوله و (کَلَّما)ی ظرفیه

«کَلَّما» ظرف زمان است و هرگاه (ما) حرف باشد در بسیاری از اوقات، در اجرای تکیه زبانی، (ما) به ماقبل خودش پیوسته و به عنوان یک واژه، جانمایی تکیه می‌شود، لذا محل تکیه (ما) نخواهد بود و اگر (ما) اسم باشد با اجرای تکیه بر (ما) نشان از انفصال قطعی از ماقبل خودش دارد» (ولید مقبل، ۲۰۱۴: ۳۲). مقصود حرف بودن (ما)، این است که مصدریه زمانیه باشد، در «کَلَّما»ی ظرفیه که متضمن معنای شرط باشد، عموماً (ما)ی مصدریه زمانیه است.

«كُلَّما» یا «كَلَّما» چه از نظر رسم الخطی متصل یا منفصل باشد، اجرای صحیح تکیه در هجای میانی است. (کَلَّما)ی شرطیه از نظر رسم الخطی تنها یک مورد منفصل در قرآن کریم به کار رفته که عبارت است از: ﴿كُلَّما جاءَ أُمَّةٌ رَّسُولُها كَذَّبُوه﴾ (مؤمنون/٤٤) و ۱۵ مورد دیگر متصل به کار رفته است از جمله این آیه شریفه: ﴿كَلَّما أَضَاءَ لَهُم مَّشْوا فیه﴾ (بقره/۲۰).

اما در یک مورد از قرآن کریم در این آیه شریفه: ﴿وَ أَتَاكُمْ مِنْ كُلِّ ما سَأَلْتُمُوهُ﴾ (ابراهم/۳۴)، واژه کُلَّ در حالت مجرور به حرف جر «من» که به شکل نوشتاری منفصل از (ما) به کار رفته و به علت وجود ضمیر عائد صله، (ما)ی موصوله است، مشمول قاعده «کَلَّما»ی ظرفیه با یک تکیه نمی‌شود، لذا ادای درست آن اجرای تکیه بر هجای آغازین «كُلَّ» و پایانی «ما» است.

۴-۵- وجه ممیزی تکیه بین (أین ما/أینما) شرطیه و (أین ما) استفهامیه

ولید مقبل، پس از استناد به کتاب «صبح الاعشی قلقتندی»، مبنی بر این که (ما) به «أین» وصل شده و گویی که یک کلمه را تشکیل می‌دهد، می‌گوید: «أین» در اصل اسم استفهام از مکان است و چون همراه با (ما) بیاید، تبدیل به اسم شرط جازم می‌شود؛ با حفظ معنای ظرفیت، لذا در اجرای تکیه زبانی به مانند یک واژه تلقی شده و (ما) بدون تکیه خواهد بود» (ولید مقبل، ۲۰۱۴: ۴۲).

دو نوع رسم الخط از (این ما) شرطیه در قرآن کریم وجود دارد:

نوع اول، «اینما»ی پیوسته که از نظر تکیه به منزله ساختار اسمی تک واژه‌ای به حساب می‌آید. از این نوع ترکیب، (۹) مورد در قرآن به کار رفته که از نظر رسم الخطی چهار مورد متصل و پنج مورد منفصل نوشته شده است. ادای صحیح تکیه با اجرای تکیه اصلی بر هجای میانی (نَ) خواهد بود چه متصل نوشته شده باشد یا منفصل؛ مانند ﴿أَيْنَمَا تَكُونُوا يُدْرِكُكُمُ الْمَوْتُ﴾ (نساء/۷۸)؛ و مانند: ﴿وَهُوَ كُلٌّ عَلَى مَوْلَاهُ أَيْنَمَا يُوَجِّههُ لَا يَأْتِ بِخَيْرٍ﴾ (نحل/۷۶)؛ و مانند ﴿مَلْعُونِينَ أَيْنَمَا تُقِفُوا أُخِذُوا﴾ (احزاب/۶۱)؛ و مانند ﴿فَأَيْنَمَا تُولُوا فَتَمَّ وَجْهُ اللَّهِ﴾ (بقره/۱۱۵) و (این ما) شرطیه از نوع رسم الخط منفصل در پنج مورد از قرآن کریم آمده است؛ مانند: ﴿أَيْنَ مَا تَكُونُوا يَأْتِ بِكُمُ اللَّهُ جَمِيعًا﴾ (بقره/۱۴۸)؛ و مانند ﴿ضُرِبَتْ عَلَيْهِمُ الذَّلَّةُ أَيْنَ مَا تُقِفُوا﴾ (آل عمران/۱۱۲)؛ و مانند ﴿وَجَعَلَنِي مُبَارَكًا أَيْنَ مَا كُنْتُ﴾ (مریم/۳۱)؛ و مانند ﴿هُوَ مَعَكُم أَيْنَ مَا كُنْتُمْ﴾ (حدید/۴)؛ و مانند ﴿هُوَ مَعَهُمْ أَيْنَ مَا كَانُوا﴾ (مجادله/۷).

نوع دوم، (این ما) که ترکیبی از اسم استفهام و (ما) موصوله است. شکل نوشتاری آن در سه مورد از قرآن کریم، منفصل به کار رفته است. ادای درست آن با اجرای تکیه بر هر دو جزء آن یعنی (این) و (ما) می‌باشد، تا تمایز دهنده بین نوع شرطیه و استفهامیه باشد؛ مانند: ﴿قَالُوا أَيْنَ مَا كُنْتُمْ تَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ﴾ (اعراف/۳۷) که در این آیه (ما) موصول است؛ یعنی ﴿أَيْنَ الَّذِينَ كُنْتُمْ تَدْعُونَ﴾ و مانند ﴿وَقِيلَ لَهُمْ أَيْنَ مَا كُنْتُمْ تَعْبُدُونَ﴾ (شعراء/۹۲) و مانند ﴿ثُمَّ قِيلَ لَهُمْ أَيْنَ مَا كُنْتُمْ تُشْرِكُونَ﴾ (غافر/۷۳).

۴-۶- وجه ممیزی تکیه بین (إِنَّمَا)ی شرطیه و (إِنَّمَا)ی تفصیلیه

ترکیب «إِنَّمَا» به تنهایی می‌تواند ترکیبی از إِنْ (شرطیه) + مَا (زائده) باشد که از نظر رسم الخطی دو گونه متصل و منفصل آن در قرآن ذکر شده که یک مورد آن منفصل آمده؛ مانند آیه شریفه ﴿وَإِنْ مَا تُرِيدُكَ بَعْضَ الَّذِي نَعِدُهُمْ أَوْ نَتَوَفَّيْكَ فَإِنَّمَا عَلَيْكَ الْبَلَاغُ وَ عَلَيْنَا الْحِسَابُ﴾ (رعد/۴۰) و غیر آن (۹ مورد) متصل نوشته شده است؛ مانند ﴿وَإِنَّمَا تُرِيدُكَ

قدرت «تکیه» هجایی در تمایز معنایی انواع مختلف «ما» در قرآن کریم ————— سیدحیدر فرح شیرازی و علی رضا محمدرضایی

بَعْضُ الَّذِي نَعِدُهُمْ أَوْ نَتَوَفِّيكَ فَأَلَيْنَا مَزَجَهُمْ ﴿٤٦﴾ (یونس/٤٦) (قرش، ١٤٢٣، ج ١: ٢٠٠) و ٦ مورد «فإِذَا» با فای عاطفه آمده که ادای درست همه این موارد به لحاظ این که همراه با (ما)ی زائده است با اجرای تکیه بر هجای آغازین «إِنْ» خواهد بود.

اما درباره (إِذَا)ی تفصیلیه که ساختار اسمی دارد و (ما) جزئی از ساختار اصلی است و به تنهایی معنایی نمی دهد، باید گفت که در هفت مورد از قرآن کریم «إِذَا»ی تفصیلیه آمده است؛ مانند ﴿فَسُدُّوا لَوْثَاقَ فَإِذَا مَنَا بَعْدَ وَ إِمَّا فِدَاءٌ﴾ (محمد/٤) و ﴿إِنَّا هَدَيْنَاهُ السَّبِيلَ إِمَّا شَاكِرًا وَ إِمَّا كَفُورًا﴾ (انسان/٣). در تمامی این موارد ادای درست تکیه بر هجای آغازین (إِذَا) قرار می گیرد.

همانطور که مشاهده می شود «بیان گفتاری (إِذَا)ی شرطیه با (إِذَا)ی تکرار شونده [تفصیلیه] که به معنای «أو» می آید [٦]، از نظر جانمایی تکیه یکسان است؛ هر چند که هر کدام کارکرد و نقش متفاوتی دارند. ولی با این حال، تکیه وجه تمایز دهنده ای را ایجاد نمی کند و هر دو نوع شرطیه و تکرار شونده را از نظر ادا (بیان گفتاری) متشابه می سازد.» (ولید مقبل، ٢٠١٤: ١٨).

٧-٤- وجه ممیزی تکیه بین (إِنَّمَا وَآنَمَا)ی موصوله و (إِنَّمَا وَآنَمَا)ی کافه

(ما)ی زائده کافه از آنجایی که اصالت اسمی ندارد، بازدارنده به شمار می آید و در علم نحو از نظر ایفای نقش به قوّت و قدرت (ما)ی موصوله نمی رسد، لذا تکیه بر نخواهد بود. بنابراین، هرگاه (ما) کافه باشد فقط هجای میانی (ن) تکیه بر خواهد بود و (ما) تکیه ندارد (نسخه برخط: ولید مقبل، ٢٠١٩، الدورة الخامسة، المحاضرة الاخيرة)؛ مانند: ﴿إِنَّمَا الْبَيْعُ مِثْلُ الرُّبَا﴾ (بقره/٢٧٥) و اگر محل تکیه جابجا شود با (ما)ی موصوله مشتبه خواهد شد.

برعکس (ما)ی موصوله که هر کجا باشد، عموماً می تواند هجایی مستقل و تکیه بر باشد. به تعبیر دیگر «(ما)ی موصوله در نظام آوایی، استقلال بیانی در گفتار دارد. بر خلاف (ما)ی کافه که چنین استقلالی ندارد و با پیوستن به ماقبل خود به عنوان یک واژه مستقل، بدون تکیه ادا می شود.» (ولید مقبل، ٢٠١٤: ٢٩). «إِنَّمَا»ی موصوله ترکیبی از (إِنْ)

و (ما)ی موصوله است، حقیقت این است که منفصل و جداگانه نوشته شود؛ چون (ما)ی کافه نیست؛ ولی در مصحف به اعتبار حالت بیان (قرائت)، متصل نوشته شده است. هرچند که از نظر رسم الخطی مرسوم نیست که در همه جای مصحف این گونه باشد» (ابن عاشور، ۱۴۲۰، ج ۱۳: ۲۱۸). پس اگر در قرآن کریم ترکیب (إِنْ + ما ی موصوله) از نظر رسم الخط گاهی متصل (=إنما) و گاهی منفصل (=إِنْ + ما) باشد هرکدام به عنوان دو واژه مستقل، تکیه مستقلی دارند. یعنی هجای اول (إِنْ + ن) و هجای سوم (ما) تکیه بر خواهد بود، البته از نظر سلسله مراتب هر دو هجای تکیه دار در یک سطح هستند. نمونه نوشتاری منفصل از (ما)ی موصوله؛ مانند ﴿إِنَّ مَا تُوعَدُونَ لَآتٍ﴾ (انعام/۱۳۴) و نمونه نوشتاری متصل مانند: ﴿إِنَّمَا عِنْدَ اللَّهِ هُوَ خَيْرٌ لَّكُمْ﴾ (نحل/۹۵) [۷]

و نمونه نوشتاری «أَنَّمَا» از نوع موصول؛ مانند: ﴿وَاعْلَمُوا أَنَّمَا غَنِمْتُمْ مِنْ شَيْءٍ فَإِنَّ لِلَّهِ خُمُسَهُ وَلِلرَّسُولِ﴾ (انفال/۴۱) که «(ما)ی موصول اسم «أَنَّ» و البته از نظر رسم الخطی در برخی مصاحف متصل و در برخی مصاحف منفصل نوشته شده است» (درویش، ۱۴۱۵، ج ۴: ۶). مشابه (أَنَّمَا) از نوع کافه مانند: ﴿وَاعْلَمُوا أَنَّمَا أَمْوَالُكُمْ وَأَوْلَادُكُمْ فِتْنَةٌ﴾ (انفال/۲۸) که در این حالت وجه تمایز دهنده بین (أَنَّمَا) موصول و (أَنَّمَا) کافه در نوع جایابی تکیه است. البته گاهی اختلاف نحوی در نوع (ما) وجود دارد؛ مانند: ﴿أَفَمَنْ يَعْلَمُ أَنَّمَا أُنْزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ الْحَقُّ﴾ (رعد/۱۹) که در ترکیب نحوی این آیه دو وجه ذکر شده است: اول این که (ما) کافه باشد. بنابراین، ﴿أُنْزِلَ﴾ فعل ماضی مجهول و ﴿الْحَقُّ﴾ نائب فاعل است.

دوم این که (ما) را از «أَنَّ» تقدیراً جدا کرده، لذا (ما) در این صورت، موصوله و اسم حرف مشبیه است و «الْحَقُّ» خبر» (ن.ک: درویش، ۱۴۱۵، ج ۵: ۱۱۵). در چنین حالتی ادای درست (أَنَّمَا) و جایابی تکیه در آن به تناسب اعراب آن بستگی خواهد داشت که وجه تمایز دهنده کافه از موصوله خواهد بود.

۴-۸- وجه ممیزی (ما)ی نکره تامه از (لما)ی جازمه یا شرطیه

(ما)ی نکره تامه همنشین و پسوند (قلیلاً) در یازده مورد ذکر شده است؛ مانند ﴿فَقَلِيلًا مَا يُؤْمِنُونَ﴾ (بقره/۸۸) و ﴿فَلْيَا مَا تَذَكَّرُونَ﴾ (اعراف/۳) و ﴿فَلْيَا مَا تَشْكُرُونَ﴾ (اعراف/۱۰). در تحلیل آوایی، این ترکیب که متشکل از چهار هجایی: (قَـ + لَیْ + لَنْ + مَا) می‌باشد، باید گفت که اجرای صحیح تکیه بر روی (لی) و (ما) - که در علم نحو نکره تامه نامیده می‌شود - قرار می‌گیرد و اگر تکیه از (ما) به (لَا لَنْ) منتقل شود از نظر آوایی (لما) شنیده می‌شود که باعث اختلال در معنا می‌گردد؛ به خصوص اگر از جهت ترکیب نحوی بین (قلیلاً) و (ما) درنگ حذف شود.

۴-۹- وجه ممیزی تکیه بین (أما)ی شرطیه تفصیلیه و (أما)ی عاطفه موصوله و (أما)ی عاطفه استفهامیه [۸]

واژه «أما» با رسم الخط متصل در قرآن کریم سه گونه متفاوت دارد که نوع تکیه در هر یک ارزش واجی و به عبارتی نقش ممیزی متناسب با خودش را دارد.

نمونه اول؛ مانند ﴿يَا صَاحِبِي السَّجْنِ أَمَا أَخَذُكُمَا فَيَسْقَى رَبُّهُ خَمْرًا وَأَمَّا الْآخِرُ فَيُضَلَّبُ﴾ (یوسف/۴۱) که از نظر ساختاری، یک واژه بیشتر نیست و به عنوان «أما»ی تفصیلیه متضمن معنای شرط است و همیشه نیاز به فاء جزاء دارد که اجرای درست آوایی آن، تکیه بر هجای آغازین است. از این نمونه ۳۳ مورد در قرآن کریم به کار رفته است.

نمونه دوم، متشکل از دو واژه مستقل ام عاطفه و (ما)ی موصوله (= أم+ما) بوده که درهم ادغام و متصل نوشته شده است؛ مانند ﴿اللَّهُ خَيْرٌ أَمَّا يُشْرِكُونَ﴾ (نمل/۵۹) و ﴿قُلِ الَّذِينَ يَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ أَمْثَلُ مِنَ الْبَعْثِ أَمَّا يَوْمَ الْفُتُورِ﴾ (انعام/۱۴۳و۱۴۴) که در این حالت، قرائت آوایی صحیح با تکیه بر خواندن هجای اول (أم) و هجای دوم (ما)ی موصوله است که هر دو هجا مستقلاً تکیه‌بر هستند.

اما نمونه سوم؛ دو واژه مستقل درهم ادغام شده است که متشکل از «أم» عاطفه و «ما»ی اسمیه استفهامیه است (أم+ما) (استفهامیه) که «همه موارد استعمال آن در قرآن،

متصل (پیوسته) به کار رفته است» (ضیاع، ۱۹۹۹: ۶۸)؛ مانند ﴿وَلَمْ تُحِطُوا بِهَا عِلْمًا أَمَّا ذَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ﴾ (نمل/۸۴) [۹]

تکیه، در این حالت همانند نمونه دوم بر میم (ما ذَا) اجرا می‌شود و (أَمْ) متصله، تکیه مستقل دارد و «اگر محل تکیه از (ما) به هجای اول «أَمْ» منتقل شود با (أَمَّا)ی شرطیه مشتبّه خواهد شد» (ولید مقبل، ۲۰۱۳: ۶۹).

ولید مقبل، دو نمونه آخر را تحت عنوان «واژه (أَمْ) + (ما)ی اسمیه» آورده است که مشمول موصول و استفهام می‌گردد. در قرآن چهار مورد از آن به کار رفته که سه مورد: «أَمْ + (ما)ی» موصوله و یک مورد: «أَمْ + (ما)ی» استفهام است و وجه تمایز معنایی آن با (أَمَّا)ی شرطیه تفصیلیه در اجرا یا عدم اجرای تکیه بر میم (ما) می‌باشد» (۲۰۱۴: ۲۰).

۴-۱۰- وجه ممیزی تکیه بین ترکیب (ما + هی) استفهامیه و (ما + هی) نافیه

«(ما)ی استفهامیه + هی (خبر)»: از این ترکیب در قرآن کریم دو مورد در سوره بقره آمده است؛ مانند ﴿قَالُوا ادْعُ لَنَا رَبَّكَ يُبَيِّنْ لَنَا مَا هِيَ﴾ (بقره/۶۸)

در این آیه «ادای درست تکیه این است که هاء در «هی» تکیه داشته باشد و ادای نادرست که موجب اخلال در فصاحت ادا می‌شود، این است که (ما)ی استفهامیه با تکیه خوانده شود، در این صورت «ماهی» مفعول به خواهد بود» (نسخه برخط، ولید مقبل، ۲۰۱۹، الدورة الخامسة، المحاضرة الاخيرة).

ترکیب (ما + هی): «(ما)ی نافیه + هی (اسم ما)»: از این ترکیب در قرآن کریم چهار مورد ذکر شده که در دو مورد (ما) نافیه حجازیه - شبیه به لیس - است و (هی) در محل رفع اسم آن است؛ مانند ﴿وَمَا هِيَ بِعَوْرَةٍ﴾ (احزاب/۱۳) و ﴿وَمَا هِيَ مِنَ الظَّالِمِينَ بِبَعِيدٍ﴾ (هود/۸۳) و در دو مورد (ما) نافیه و (هی) مبتدا است؛ مانند ﴿وَقَالُوا مَا هِيَ إِلَّا حَيَاتُنَا الدُّنْيَا﴾ (جاثیه/۲۴) و ﴿وَمَا هِيَ إِلَّا ذِكْرٌ لِلْبَشَرِ﴾ (مدثر/۳۱)؛ محل صحیح تکیه بر (ما)ی نافیه و از نوع تکیه بلند است.

۴-۱۱- وجه ممیزی بین (أَيَّا مَا) شرطیه و (أَيِّمَا) شرطیه

«أَيَّ» در اصل اسم استفهام است و چون همراه (ما)ی زائده بیاید افاده شرط می‌کند» (ابن عاشور، ۱۴۲۰، ج ۱۴: ۱۸۶). از نظر رسم الخطی به صورت منفصل آمده و تنها یک مورد در قرآن کریم آمده است؛ مانند ﴿أَيَّا مَا تَدْعُوا فَلَهُ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَى﴾ (اسراء/۱۱۰)

اما «از نظر تکیه زبانی، حرف (ما) تکیه‌دار بوده، همچنان‌که تکیه بر همزه «أَيَّا» یعنی هجای آغازین اجرا می‌شود که البته با تکیه نوشتاری یکسان است» (ولید مقل، ۲۰۱۴: ۵۸). بنابراین، دو تکیه مستقل در هر جزء ساختاری این ترکیب وجود دارد. چون «از نظر نوشتاری به خاطر وجود اَلَف پایانی «أَيَّا» امکان پیوستن به ما بعد خودش یعنی (ما) را ندارد و از طرفی دیگر به هنگام ادا، امکان و الزام به ادغام نون تنوین الف در میم (ما) و پیوستگی در ادا ایجاد می‌شود. لذا از تکیه برای اظهار انفصال (ما)ی زائده استفاده می‌شود» (ولید مقل، ۲۰۱۴: ۵۸)، هرچند که تکیه (ما)ی زائده نسبت به بقیه انواع (ما) عمدتاً ضعیف‌تر و در بسته‌های صوتی بی‌تکیه قرار می‌گیرد.

مورد دوم: (أَيِّمَا) «أَيَّ» اسم موصول مبهم مثل «ما» و (ما)ی متصل به آن، زائده و تأکید برای «أَيَّ» موصول که شبیه به شرط شود» (ابن عاشور، ۱۴۲۰، ج ۱۴: ۲۰۴۷) مانند ﴿أَيِّمَا الْأَجَلَيْنِ فَضِيْتُ فَلَا عُذْوَانَ عَلَيَّ﴾ (قصص/۲۸) براساس نظریه میزان النبر و تطبیق مصحف نشان‌دار تکیه، محل تکیه بر هجای میانی (ی) قرار می‌گیرد و (ما) بدون تکیه است.

۴-۱۲- وجه ممیزی تکیه بین ترکیب اسمی یا فعلی (و + لا + ما)

ترکیب «و (عاطفه) + لا (زائده مؤکده) + ما (موصوله)» در سه مورد از قرآن کریم به کار رفته که از نظر آوایی و جایابی تکیه محل تأمل است و خطا در اجرای تکیه، از نظر گفتاری، القای معنای نادرست می‌کند. در آیه شریفه ﴿لَكَيْلًا تَخَزِّنُوا عَلَى مَا فَاكُنْمْ وَ لَا مَا أَصَابَكُمْ﴾ (آل-عمران/۱۵۳) [۱۰]، «ادای درست در اجرای تکیه بر (ما) اسم موصول می‌باشد؛ یعنی «و لا الذی أصابکم»، و ادای نادرست در انتقال تکیه به «لا» می‌باشد که می‌شود (و + لا) = فعل مثنی از مصدر لوم که حرف لای نفی و (ما)ی موصول، به یکدیگر وصل شده و یک واژه فعلی

را تشکیل می‌دهد که البته بدون سکت بین آن دو خواننده می‌شود. در این حالت حرکت‌های اعرابی و قرائت تجویدی تغییر نکرده، بلکه آنچه تغییر کرده فقط جانمایی تکیه بوده و همین باعث اختلال و فساد در معنا شده است. عامل دیگری که بین «لا» نافیه مؤکده و (ما) موصوله علاوه بر تکیه بر بودن (ما)ی موصوله، می‌تواند تمایز ایجاد کند، این است که حرف «لا» با کششی بیشتر خوانده شود» (نسخه برخط، ولید مقبل، ۲۰۱۹، المحاضرة الاولى).

۴-۱۳- وجه ممیزی تکیه بین (ما) جزئی از کلمه و (ما)ی اسمیه در (ماء) و (ما إن) موارد متعددی از (ما) به عنوان جزء ساختاری یک واژه در قرآن کریم وجود دارد که اثر تکیه در آن گاهی وجه ممیزی و گاهی وجه کمالی در قرائت دارد.

برای نمونه فقط دو آیه زیر مثال زده می‌شود: یکی آیه شریفه ﴿ثُمَّ جَعَلَ نَسْلَهُ مِنْ سُلَالَةٍ مِنْ مَاءٍ مَهِينٍ﴾ (سجده ۸) که با تنوین کسر همزه، ۸ مورد در قرآن به کار رفته و دیگری آیه شریفه ﴿وَلَقَدْ مَكَنَّاهُمْ فِيْمَا إِنْ مَكَنَّاكُمْ فِيهِ﴾ (احقاف ۲۶) که تنها یک مورد ذکر شده است.

با دقت در این دو مثال، متوجه می‌شویم که از نظر نوشتاری واژه «ماء» و «فیما إن» با هم متفاوت است؛ اما از نظر گفتاری = (ما + إن) در «ماء» و (ما + إن) در «فیما إن» برابری می‌کند و موجب تشابه معنایی بین تک واژه «ماء» و ترکیب دو واژه‌ای «ما إن» می‌شود. بنابراین، در چنین مواردی ارزش واجی تکیه با جانمایی درست تکیه، معنا را روشن می‌نماید.

در واژه (ماء) ادای صحیح در اجرای تکیه بر هجای اول، یعنی (ما) است و اگر بالعکس تکیه بر هجای دوم یعنی همزه قرار گیرد (ما إن) از نظر ساختاری دو واژه تلقی می‌شود، در حالی که یک واژه بیشتر نیست و از نظر تجویدی مدّ متصل به مدّ منفصل تبدیل می‌شود، لذا مخّل فصاحت در ادا و فصاحت در معنی می‌گردد. همین‌طور در آیه شریفه سوره احقاف «فیما إن» اگر محل تکیه (ما) شود، علاوه بر یک واژه شدن ساختار، از نظر تجویدی نیز مدّ منفصل به مدّ متصل تبدیل می‌شود» (ن.ک: ولید مقبل، ۲۰۱۳: ۷۱ و ۷۲) و (ن.ک: نسخه برخط، ولید مقبل، ۲۰۱۹، المحاضرة الثانية).

۴-۱۴- وجه ممیزی تکیه بین وجه اسمی یا حرفی (ما) در (بُسْ/ ما/ بُسْمَا) و (نِعْمًا) صاحب نظریه میزان النبر درباره تکیه بر بودن یا نبودن (ما) در چنین ترکیبی، آن را وابسته به نوع اعراب و جنس (ما) می‌داند. او بعد از بررسی اعراب‌های مختلف (ما) از نظر علمای نحو، مبنی بر این که اسم باشد، مثل موصول و نکره تامه یا حرف باشد، مثل (ما)ی مصدری و زائد، تکیه بر بودن (ما) را به تناسب اعراب، متفاوت تحلیل می‌کند؛ ولی تکیه بر بودن (ما) را بر وجه غالب اسمی آن ترجیح می‌دهد و می‌گوید: «همانطور که ملاحظه می‌کنیم وجه غالب اعراب (ما) اسمی است و این می‌طلبد که (ما) از نظر ادای (بیان) صوتی مستقل و تکیه بر باشد. اما بر اساس اعراب حرفی (ما) که مصدر یا زائد باشد، می‌طلبد که با فعل ذم یا مدح یک واژه تلقی شده و بدون تکیه باشد» (ولید مقل، ۲۰۱۴: ۳۶). همانطور که «نحوین کوفه» (بُسْ+ما) را یک واژه اسمی و مرفوع می‌دانند (مکی بن حموش، ۱۴۲۳، ج ۱: ۷۷)، ابن عاشور هم بر همین مبنا، آن را یک واژه تلقی می‌کند (ابن عاشور، ۱۴۲۰، ج ۴: ۱۶۴). بنابراین، (ما) در چنین ترکیبی حرف مبنا و جزء ساختار کلمه و فاقد تکیه می‌باشد.

بر اساس این مقدمه و طبق نظر ولید مقل در مستقل شمردن (ما) از «بُسْ»، از نظر تکیه زبانی، در همه موارد رسم الخطی اعم از این که (ما) به (بُسْ) متصل یا منفصل از آن باشد، (ما) مستقلاً تکیه دار است و هریک از دو جزء «بُسْمَا» یا «نِعْمًا» دو تکیه جدای از هم دارند و تکیه، یکی بر هجای آغازین «بُسْ» یا «نِعْمَ» و دیگری بر هجای کشیده (ما) قرار می‌گیرد. شکل نوشتاری منفصل (ناپیوسته) (بُسْ+ما) بر طبق مصحف مدینه، شش مورد در قرآن کریم به کار رفته است؛ یک مورد در سوره بقره، مانند ﴿وَلِبُسْ مَا شَرُّوا بِهِ أَنْفُسَهُمْ﴾ (بقره/۱۰۲) و در سوره آل عمران، مانند ﴿فَبُسْ مَا يَشْتَرُونَ﴾ (آل عمران/۱۸۷) و چهار مورد در سوره مائده؛ مانند «لِبُسْ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ» (مائده/۶۲)، «لِبُسْ مَا كَانُوا يَصْنَعُونَ» (مائده/۶۳)، «لِبُسْ مَا كَانُوا يَفْعَلُونَ» (مائده/۷۹)، «لِبُسْ مَا قَدَّمَتْ لَهُمْ أَنْفُسُهُمْ» (مائده/۸۰). شکل نوشتاری متصل (پیوسته) (بُسْمَا) تنها سه مورد در قرآن به کار رفته است (ن.ک: ولید مقل، ۲۰۱۴: ۳۴)، که عبارتند از: ﴿بُسْمَا اشْتَرُوا بِهِ أَنْفُسَهُمْ أَنْ يَكْفُرُوا بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ﴾ (بقره/۹۰) و ﴿قُلْ بُسْمَا يَأْمُرُكُمْ بِهِ إِيْمَانُكُمْ﴾ (بقره/۹۳) و ﴿بُسْمَا خَلَقْتُمُونِي مِنْ بَعْدِي﴾ (اعراف/۱۵۰).

اما درباره «نعمًا» به دو مثال قرآنی پیش رو اشاره می‌شود:

آیه شریفه ﴿إِنْ تُبْدُوا الصَّدَقَاتِ فَنِعِمَّا هِيَ﴾ (بقره/۲۷۱) که (ما) در آن نکره تامه است.

آیه شریفه ﴿إِنَّ اللَّهَ نِعِمَّا يَعِظُكُمْ بِهِ﴾ (نساء/۵۸) که اصل آن (نِعْمَ+ما) «نعم» فعل ماضی جامد مخصوص مدح و (ما) نکره تامه یا (موصول) است (درویش، ۱۴۱۵، ج ۲: ۲۴۲). یا اینکه طبق گفته ابن عاشور در التحرير و التنویر شکل نوشتاری متصل به کار رفته که با ادغام دو میم صورت گرفته، یک کلمه واحده تلقی شود (۱۴۲۰، ج ۴: ۱۶۴)؛ البته در صورت بی‌تکیه بودن (ما) در کلمه واحده، تکیه بر هجای میانی (س) قرار می‌گیرد.

۵- نتیجه‌گیری

نتایج حاصل از این پژوهش به شرح ذیل ارائه می‌گردد:

- ۱- واژه (ما) تک هجایی و تکیه‌دار است و مستقل از هجاهای پیرامونی، تمایز معنایی ندارد؛ ولی چون با هجاهای قبل یا بعد از خود سنجیده شود، تکیه در آن نسبیّت پیدا کرده در بسیاری از موارد- و نه همه موارد- ارزش واجی پیدا خواهد کرد.
- ۲- در برخی از تشابهات رسم الخطی در ترکیبات انواع (ما) در قرآن کریم این تکیه است که ممیز معنایی نوع (ما) خواهد بود؛ هرچند که رعایت آوایی حرف «ما» در تلاوت قرآن شرط کمال در قرائت و ادای کلمات است و نه شرط لزوم.
- ۳- یکی از انواع (ما) که همیشه تکیه‌بر هست، مگر در موارد خاص، (ما)ی موصوله است و تفاوتی هم ندارد که از نظر رسم الخطی قرآن، متصل یا منفصل نوشته شده باشد و این به جهت قوت و قدرت معنایی و جایگاه ساختاری آن در جمله است؛ چون (ما) موصوله از نظر معنایی عام‌تر و وسیع‌تر از موصولاتی دیگر چون «الذی» و مانند آن است. همچنین (ما)ی موصوله در زبان عربی عمدتاً نقش‌های بیشتری را نسبت به انواع دیگر (ما) در جمله ایفا می‌کند. نقش‌هایی مثل مبتدا، فاعل، مفعول، مجرور و این موضوع خواستگاه آوایی (ما)ی موصوله را تقویت می‌کند.

۴- (ما)ی زائده در تقسیم‌بندی تکیه‌های صوتی، جزء بسته‌های صوتی ضعیف به حساب می‌آید، یعنی از نظر رتبه‌بندی، نسبت به برخی از انواع (ما) مثل نافیه، تعجیه، استفهامیه، و موصوله ضعیف‌تر بوده، لذا در تکیه واژگانی (در سطح جمله) عمدتاً بی‌تکیه به حساب می‌آید؛ اما در تکیه هجایی (در سطح واژه) این نسیت بدین معنا وجود ندارد و گاهی می‌تواند تکیه‌دار باشد و اگر گفته شود (ما)ی زائده، هیچ وقت تکیه‌بر نیست، منظور همان تکیه اصلی است که (ما)ی زائده فاقد آن است.

۵- یکی دیگر از انواع (ما) که در زمره تقسیمات اصلی انواع مشهور (ما) مثل موصول و استفهام و تعجب و غیره نیست و صرفاً جزئی از ساختار اصلی و اسمی یک واژه است و به تنهایی هیچ کارکرد معنایی نداشته، حتی مفهوم تأکید و کم‌تر از آن را هم ندارد. (ما) به عنوان جزئی از یک کلمه است که از نظر آوایی عموماً جایگاهی ندارد؛ مثل «لَمَّا»ی جازمه یا شرطیه که (ما) جزء ساختاری از یک واژه است و هیچ استقلال و اعراب و معنایی ندارد؛ لذا در چنین حالاتی بدون تکیه است.

۶- در برخی از وجوه اختلافی نوع (ما) در قرآن کریم، جانمایی تکیه بر اساس وجه غالب و معروف آن خواهد بود. مانند مای مصدریه در (کما).

۶- پی‌نوشت‌ها

- [۱]. «ص» علامت اختصاری صامت و «ح» علامت اختصاری حرکت است.
- [۲]. ترجمه: «و هنگامی که ما بر تو خواندیم از آن پیروی کن و بخوان». (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ج ۲۵: ۲۹۸).
- [۳]. ترجمه: «خدای تعالی فرمود به همین زودی سخت پشیمان خواهند شد (طباطبائی، ۱۳۷۴، ج ۱۵: ۳۴).
- [۴]. مقصود از «اغلب» این است که ممکن است در معنای غیر مثلیه؛ مثلاً تعلیلیه نیز به کار رود؛ مانند آنچه که برخی مانند ابن‌هشام در تحلیل آیه ﴿كَمَا أَرْسَلْنَا فَيَكُمُ رَسُولًا مِنْكُمْ﴾ (بقره/۱۵۱) آن را به تعلیلیه هم تفسیر کرده‌اند «ن.ک: مغنی اللیب، بی‌تا، ج ۱: ۱۷۶».
- [۵]. در زبان فصیح قرآن کریم، (ما)ی استفهامیه مجرور بحرف جر، همراه با الف نیامده، همچنان‌که در متن به آن تصریح شده است؛ ولی در زبان عربی (ما)ی استفهامیه مثبت به الف در حالت جر نقل شده، هرچند ممکن است غیر فصیح و قبیح باشد. به همین علت در شرح رضی بر کافیّه از واژه «قد» تحقیقه

- و «اغلب» استفاده کرده و می‌گوید: «و قد تحذف ألف «ما» الاستفهامية في الأغلب عند انجرارها بحرف جر أو مضاف» (شرح الرضى على الكافية، ج ۳: ۵۰).
- [۶]. «تکرار شونده» از متن اصلی نویسنده است و در اینجا معادل اصلی آن در بین گروه قرار گرفته است. ولید مقبل به اعتبار «أو» که دلالت بر تکرار آن دارد آن را تکرار شونده نامیده است.
- [۷]. و مانند ﴿إِنَّمَا تُوعَدُونَ لَصَادِقٌ﴾ (ذاریات/۵) ﴿إِنَّمَا تُوعَدُونَ لَوَاقِعٌ﴾ (مرسلات/۷) ﴿إِنَّمَا صَنَعُوا كَيْدٌ سَاحِرٌ﴾ (طه/۶۹).
- [۸]. این وجه تسمیه از طرف نگارنده متن است.
- [۹]. ترجمه: «آیا آیات مرا که به آن احاطه علمی نیافتید تکذیب کردید یا آنکه در مقام عمل (با آن آیات) چه می‌کردید؟» (الهی قمشه‌ای، ۱۳۸۰: ۳۸۴).
- [۱۰]. ترجمه: «تا از این پس برای از دست رفتن یا به دست آوردن چیزی اندوهناک نشوید» (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۴: ۶۴).

۷- منابع

*قرآن کریم

- ۱- ابن عاشور، محمد طاهر، تفسیر التحریر و التنویر المعروف بتفسیر ابن عاشور، بیروت: مؤسسة التاریخ العربی، (۱۴۲۰ق).
- ۲- ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، چاپ سوم، بیروت: دار صادر، (۱۴۱۴ق).
- ۳- ابن هشام، عبد الله بن یوسف، معنی اللیب، چاپ چهارم، قم: کتابخانه حضرت آیت الله العظمی مرعشی نجفی (ره)، (بی تا).
- ۴- الهی قمشه‌ای، مهدی، ترجمه قرآن، قم: فاطمه الزهراء، (۱۳۸۰ش).
- ۵- انیس، ابراهیم، الأصوات اللغویة، چاپ پنجم، مصر: مكتبة الأنجلو المصرية، (۱۹۷۵م).
- ۶- بابتی، عزیزه فوال، المعجم المفصل فی النحو العربی. جلد اول، بیروت، (بی تا).
- ۷- جنادبه، احمد سلامة، نبر الاسم الجامد والمشتق دراسة فيزيائية نطقية، چاپ اول، عمان: دار الجنان للنشر والتوزيع، (۲۰۱۶م).
- ۸- درویش، محی الدین، اعراب القرآن الکریم و بیانه، چاپ چهارم، حمص: الارشاد، (۱۴۱۵ق).

قدرت «تکيه» هجایی در تمایز معنایی انواع مختلف «ما» در قرآن کریم _____ سیدحیدر فرع شیرازی و علی رضا محمدرضایی

- ۹- دوسری، ابراهیم بن سعید، «اصول ما فی القرآن الکریم مع دراسة تطبيقية على سورة يس»، المجلة العلمية لجامعة الملك فيصل (العلوم الانسانية والادارية)، جلد ۴، عدد اول، صص ۹۱-۱۴۶، (۲۰۰۳م).
۱۰- زمخشری، محمود بن عمر، الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل و عیون الاقاویل فی وجوه التأویل، تصحیح: حسین احمد، مصطفی، چاپ سوم، بیروت: دار الکتب العربی، (۱۴۰۷ق).
۱۱- سلمان حسن العانی، التشکیل الصوتی فی اللغة العربیة فنولوجیا العربیة، ترجمه یاسر الملاح، محمد محمود غالی، چاپ اول، عربستان سعودی: النادی الادبی الثقافی، (۱۹۸۳م).
۱۲- ضیاع، علی محمد، سمیر الطالبین فی رسم و ضبط الکتب المبین، قرائت و تہذیب: محمد علی خلف حسینی، چاپ اول، مصر: المكتبة الازهریة للتراث، (۱۹۹۹م).
۱۳- طباطبائی، محمدحسین، ترجمه تفسیر المیزان، مترجم: موسوی، محمد باقر، چاپ پنجم، ایران- قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، دفتر انتشارات اسلامی، (۱۳۷۴ش).
۱۴- فراهیدی، خلیل بن احمد، کتاب العین، قم: نشر هجرت، (۱۴۰۹ق).
۱۵- فرع شیرازی، سیدحیدر، «قدرت تکيه هجایی در تغییر معانی واژگانی قرآن کریم»، دانشگاه علوم اسلامی رضوی: مجله آموزه‌های قرآنی، دوره نوزدهم، شماره ۳۵، صص ۱۹۳-۲۱۶، (۱۴۰۱ش).
۱۶- قرش، جمال بن ابراهیم ابو عبد الرحمن، زاد المقرئین أثناء تلاوة الکتب المبین (المجلد الاول)، چاپ دوم، طنطا (مصر): دار الضیاء، (۱۴۲۳ق).
۱۷- مجر المرشدی، بدر عبدالعزیز «اثر التنغیم فی معنی (ما)»، دانشگاه ملک سعود: مجله الآداب، شماره (م ۳۱، ع ۱) ریاض، صص ۳-۲۴، (۱۴۴۰ق).
۱۸- مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، چاپ دهم، تهران: دار الکتب الإسلامیة، (۱۳۷۱ش).
۱۹- مکی بن حموش، مشکل اعراب القرآن، چاپ سوم، بیروت: دارالیمامة، (۱۴۲۳ق).
۲۰- ولید مقبل، السید علی الدیب، المقطوع والموصول بین رسم المصحف والأداء اللغوی: مصحف المدینة أنموذجاً، السعودیة- المدینة المنورة: ندوة طباعة القرآن الکریم ونشره بین الواقع والمأمول، (۲۰۱۴م).
۲۱- ولید مقبل السید الدیب، النبر فی القرآن الکریم نظریة جدیدة فی استقامة الأداء القرآنی، چاپ دوم، مکه: مطبعة دار مکه، (۲۰۱۳م).

آدرس برخط: <https://quranpedia.net/book/20102>

منابع الکترونیکی:

۱- سور القرآن الکریم المسجلة من المصحف المحدد فيه مواضع النبیر:

نسخه برخط: https://archive.org/details/083_20230715

۲- ولید مقلب الدیب، «محاضرات الدورة الخامسة للنبر فی القرآن الکریم»، تاریخ ابتداء الدورة

الخمیس، فیرایر ۲۰۱۹-۱۴۴۰

نسخه برخط:

<https://www.youtube.com/playlist?list=PLS7skCXQedrq3ZMom1ZoUdYBb5dPvDAz0>